

ریل گذاری سینمایی
از دو قطبی سازی به وفاق

در حاشیه ریاست سازمان سینمایی



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

با استقرار دولت جدید و انتخاب سیدعباس صالحی به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد، روزنه امید در دل اهالی سینما ایجاد شد تا با انتخاب مدیرانی جدید و سینماشناس تر و تغییر در سیاست گذاری ها، ریل گذاری تازه و راهگشتری صورت بگیرد تا دست کم قطار سینما به همان ریل قبلی خود برگردد تا حداقل شاهد تداوم مسیری که در چند سال اخیر طی شده، نباشیم. این روزها گمانه زنی ها بر سر رئیس جدید سازمان سینمایی و معاونان او بیشتر شده و به همان اندازه برخی از همان مدیران میانه در سازمان سینمایی در حال تقلا و دست و پا زدن برای حفظ میز خود هستند؛ از جمله مدیر اداره نظارت سازمان سینمایی، یعنی دقیقاً یکی از همان پست هایی که به ایست بازرسی در سازمان سینمایی تبدیل شده و بسیاری از سینماگران را با دست اندازهای سلیقه ای، سیاسی و جناحی روبه رو کرده است. در واقع یکی از گلوگاه های که مسیر سینمای ایران را انسداده، تنگ نظری و تمیزی همراه کرده در تلاش است تا همچنان پشت میز بنشیند و این دقیقاً ضد شعار دولت وزیر جدید است که شعارش وفاق در سینماست. کسی که طی چند سال اخیر با عملکرد خود نقش مهمی در شکاف دولت و سینماگران داشت حالا می گوید در دولت وفاق بماند. بدیهی است تداوم حضور مدیرانی مثل روح الله سپهری و امتداد همان سیاست ها دقیقاً در تضاد با شعار وفاق ملی است. او نقش مهمی در ایجاد دو قطبی میان خانه سینما و سازمان سینمایی داشته و قطعاً گفت و گو و همدلی بین این دو نهاد صنفی و دولتی که یکی از مهمترین مصادیق راهبردی و استراتژیک برای وفاق در سینماست، با حضور مدیرانی مثل او نتواند قابل تحقق نیست که علیه آن است. مدیران فرهنگی و هنری که طی چند سال اخیر، عملکردشان به ایجاد فضای دو قطبی انجامیده یا آن را تشدید کرده نته نته نمی توانند به تحقق شعار وفاق ملی در سینما کمک کنند که مانع آن هستند. احتمالاً تا چند روز دیگر معلوم می شود که سکان سازمان سینمایی به دست چه کسی خواهد افتاد و کدام تیم سینمایی به عرصه مدیریتی خواهند آمد اما آنچه ضروری است، تناسب این انتخاب با شعار وفاق ملی به عنوان سیاست کلان دولت جدید است. واقعیت این است که سینماگران نگران اینند که آیا در تیم احتمالی (صالحی) و «چیدمان تازه سازمان سینمایی، همان نفرت دولت پیشین حضور خواهند داشت و آیا چهره هایی که در این سازمان، دو قطبی سازان پسا ۱۴۰۱ را ایجاد کردند همچنان قرار است بر سرکار بمانند؟ آیا قرار است با حفظ رویکرد و مدیران فعلی در سازمان سینمایی مواجه باشیم یا تغییری اساسی و تحولی اثر بخش در آرایش بدنه مدیریتی سینما ایجاد خواهد شد؟ در واقع دغدغه اصلی سینماگران این است که سازمان سینمایی یک نهاد فرهنگی باشد و مثل چند سال اخیر به نهادی سیاسی و امنیتی تبدیل نشود. برخی از مدیران و معاونان پیشین این سازمان که سببه و سلیقه امنیتی داشتند هنوز پشت پرده در حال تلاش برای حفظ بقای خود هستند و این در حالی است که از بزای آنها تمديد همان رویکرد امنیتی در حوزه فرهنگ و هنر است که به شکاف و دو قطبی دامن می زند. دولتی که شعارش وفاق ملی است، باید مراقب باشد که دو قطبی سازان پشت نقاب و نقبهای لایه لایه گری ها، زمینه سازی برای تحقق شعار وفاق در سینما را مسدود نکنند. اغلب هنرمندان جریان اصلی سینما، نه جریان بازاری فعلی، از سیاست های سه ساله سازمان سینمایی ناراضی هستند و خواستار تغییر جدی و فوری در این حوزه، نقش آنهايي که در سه سال گذشته دولت پیشین در ایجاد نارضایتی سینماگران موثر بوده، روشن است و انتظار می رود تا چهره هایی که با ساخت دو قطبی و ایجاد نارضایتی، زمینه فاصله هنرمندان با سازمان سینمایی را تشدید کرده اند، دیگر در دایره مدیریت و تصمیم گیری ها حضور نداشته باشند. آنهايي که نگذاشتند فیلمسازانی مثل سعید روستایی که خونی تازه در رگ سینمای اجتماعی ایران ریختند، با ممنوعیت و محرومیت روبه رو شوند. مدیری که فیلم «برادران لیلیا» را به پنهان عدم سانسور سکناس سبیلی لیلیا به پدرش به محاق برد و با توقیف و حتی دادگاهی فیلمساز مواجه کرد، قطعاً نمی تواند مدیر مناسبی برای دولت وفاق ملی باشد. آنها که با محدودیت و محرومیت برای فیلمسازان جدی که آثار منتقدانه ای ساخته اند، راه را برای گسترش سینمای مبتدل و فیلم های کم دنی نازل فراهم کردند، نمی توانند به وفاق دولتمردان و سینماگران کمک کنند. ما در حوزه سینما و در سطحی کلان تر در حوزه فرهنگ به امنیت فرهنگی نیازمندیم، نه فرهنگ امنیتی در سینما. سازمان سینمایی به مدیرانی نیاز دارد که بتوانند به سینما و سینماگران حسن امنیت ببخشند تا همدلی و وفاق ایجاد شود. دو قطبی سازان گذشته نمی توانند مدعیان وفاق در دولت جدید باشند.

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۵ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هممیهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۸۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زید آبادی
• سردبیر: محمد جواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • امید عرب (مدیر آنلاین)
• دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی



تیم ملی تو وسط شمسایی گروگان گرفته شده است

در گفت و گو با حسین شمس سر مربی اسبق تیم ملی فوتبال
علل حذف ایران بررسی شد

سپهر خریمی

گزارشگر ورزشی هممیهن

آماده سازی و انگیزه برای قهرمانی اما حذف شدن در اولین محک جدی، موضوعی است که باعث تشویش افکار عمومی می شود. تیم ملی فوتبال ایران که اردوهای قبلی را پشت سر گذاشته بود و بعد از سپری کردن بازی های تدارکاتی مناسب به مسابقات جام جهانی اعزام شد، خیلی زود از گردونه مسابقات جام جهانی ۲۴ تیم و حضور تیم های متوسط در این دوره، ایران نتوانست از دور اول حذفی فراتر برود و با ارائه بازی های متوسط و ضعیف خیلی زود به خانه برگشت. در دوره ای که سطح مسابقات به شکل فاحشی افت کرده بود و دوباره شاهد نتایج عجیب ۱۰ بر صفر در این رشته ورزشی بودیم، ایران می توانست خودی نشان دهد اما با شکست مقابل مراکش کار به پایان رسید. در این گزارش قصد داریم چرایی این ماجرا و افت فوتبال با مربیگری وحید شمسایی را بررسی کنیم. همچنین در گفت و گو با «حسین شمس»، سرمربی اسبق تیم ملی فوتبال ایران نیز نظر او را جویا شدیم که چرا تیم ملی فوتبال به این حال و روز افتاده است.

سقوط آزاد

وحید شمسایی که یک نایب قهرمانی و یک قهرمانی در جام ملت ها دارد و پنج ماه قبل کاپ آسیا را بالای سر برده بود، امید داشت تا شاگردانش را در جام جهانی ۲۰۲۴ از بنکستان به مراحل بالا برساند و حتی افتخار هشت سال پیش که تیم ملی به سومی رسید را بهبود ببخشد و فینالیست شود، اما حذف زودهنگامی تجربه کرد که حالا باید پاسخگوی انتقادات کارشناسان و اهالی رسانه باشد. پیروزی مقابل ونزوئلا و گواتمالا و تیم دوم و سوم فرانسه، آن چیزی نبود که هواداران و کارشناسان این رشته را راضی کند. حسین شمس در گفت و گو با هممیهن معتقد است که وقتی به اولین حریف قدرتمند برخورد کردیم، تسلیم شدیم: «بی اغراق یکی از بدترین جام های جهانی چند دوره اخیر بود. برای اولین بار این مسابقات تا ۲۴ تیم برگزار می شد و تیم هایی وارد جام جهانی شده بودند که در حالت عادی قطعاً نمی توانستند رنگ جام جهانی را ببینند. نتایج سنگین ۱۰ بر صفر دوباره تکرار می شد و دیدیم اسپانیا هم در بین ۱۶ تیم اوت شد. توقع این بود که مراکش را به راحتی شکست دهیم و به جمع هشت تیم برتر جهان برسیم، اما کیفیت فنی مادر این دوره چنان ضعیف بود که فقط در حالت رویا و تصور باقی مانده بودیم.»

کم کاری یا نایبانی؟

یکی از دیدارهای بحث برانگیز این رقابت ها که اتفاقاً فیفا نیز در آن ورود کرد و احتمال محرومیت سنگین تیم ملی فوتبال ایران نیز وجود دارد، مربوط می شود به دیدار سوم دور گروهی بین ایران و فرانسه که هر دو تیم تمایل به شکست داشتند اما فرانسه این کار را حرفه ای تر انجام داد و با شکست سنگین مقابل ایران به رتبه دوم بسنده کرد تا به سمت ساده تر جدول برود. آن چنان شور شده بود که حتی حسین شمسایی، برادر وحید شمسایی سرمربی تیم ملی ایران نیز در آنتن زنده شبکه سه این رفتار بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران و فرانسه را شرم آور قلمداد کرد و گفت، امیدوار است فیفا ورود نکند. حسین شمس نیز عقیده ای مشابه حسین شمسایی دارد: «در دیدار با فرانسه اتفاقاتی رخ داد که بی سابقه و شرم آور بود. این حرکت زشت که کم کاری یا نایبانی تلقی می شود، باعث سرفرکانگی ما

شد. اشتباهات جبران ناپذیری را دیدیم، در کشوری که پوریای ولی و تختی را دارد، روح جوانمردی را کشتیم. من به آقای مهدی تاج زنگ زدم و گفتم، لطفاً جلوی این اتفاقات را بگیرد اما متأسفانه ایشان صعود ایران به دور حذفی را تریک گفت؛ در صورتی که چنین صعودی واقعاً جای تریک نداشت. به آقای احسان اصولی نیز هشدار دادم که ایشان نیز زیر بار نرفت و گفت، فرانسه قصد داشت شکست بخورد و ما کاری نکردیم. در مسابقه دوم دور گروهی هم دوباره بازیکنان ایران بی اخلاقی کردند. محمدرضا سنگ سفیدی و حسین طیبی از قصد کارت زرد گرفتند تا در دیدار سوم محروم شوند. خنده های حسین طیبی بعد از محروم شدن از مسابقه سوم، بسیار زنده بود.»

سیاسی هادر فوتبال

کمتر کسی تصور می کرد که ایران مقابل مراکش حرفی برای گفتن نداشتند. اشتباهات پیاپی دروازه بان و خط دفاعی ایران باعث شد تا مراکش خیلی زود با گل باران کردن تیم ملی، راه صعود را هموار کند. هر چند شاگردان شمسایی در نیمه دوم به خودشان آمدند و با زدن دو گل فاصله را به حداقل رساندند، اما حسین شمس معتقد است که تصمیمات فنی شمسایی اتفاقاً مانع از صعود ایران به دور بعد شد. شمس معتقد است، تعویض های اشتباه شمسایی این برد را از ایران گرفت: «در یک ثانیه پایانی، پنالتی به سود ایران گرفته شد که آخرین ضربه این دیدار بود. متأسفانه شمسایی این پنالتی را به بی تجربه ترین بازیکن ایران داد که سابقه و تجربه این رقابت ها را نداشت. حسین طیبی با کوله باری از تجربه و حسن زاده بیرون بودند و پنالتی را به فرد دیگری دادیم.» یکی از دلایل افت فوتبال ایران این است که تصمیم گیران این حوزه، اعتمادی به فوتسالی هانمی کنند. چرا کشتی و تکاندو موفق شده؟ چون کار را به کاردار سپرده اند، ولی متأسفانه افراد سیاسی به فوتبال ورود کردند و اطلاعاتی از این ورزش ندارند. امیدوارم وزارت ورزش به این مسائل ریز و درشت ورود کند تا حداقل مشخص شود چه کسی یا چه کسانی دستور کم کاری به بازیکنان تیم ملی داده اند. نباید این طور آبروی ما در جامعه جهانی برود.»

شمسایی برای تیم ملی وقت نمی گذارد

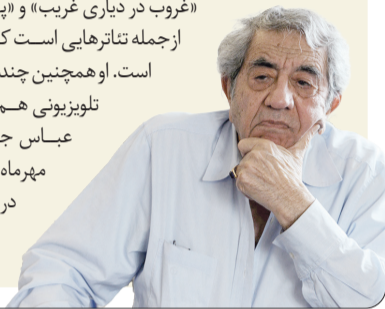
انتقاد اصلی اما طی دوروز اخیر، به وحید شمسایی است. البته که موضوع غیر قابل تصویری نیست. وقتی تیمی حذف می شود، اولین نفر سرمربی باید پاسخگوی این حذف باشد. حسین شمس اما معتقد است که وحید شمسایی فوتبال را به گروگان گرفته و اولویتش اصلاً این رشته نیست که بخواد در آن موفق شود. «سه سال است که آقای شمسایی متکلم محوده در تلویزیون است. حتی یک کارشناس به تلویزیون و برنامه فوتبال برتر دعوت نکردند تا این مسابقات و عملکرد تیم ملی فوتبال نقد شود. شمسایی به تمام برنامه ها مثل خاله شادونه و ستاره ساز دعوت می شود و اصلاً وقت نمی کند فوتبال را تماشا یا رقبا را نقد کند. باید فوتبال را به کسی بدهند که دلسوز باشد. شبکه سه در دست در اختیار وحید شمسایی است. هیچ انتقادی از این فرد به عنوان سرمربی نشد. من اعتراض را به آقای حبیبی رئیس صداوسیما گفتم. اجازه نمی دهند فوتبال توسط یک نفر به گروگان گرفته شود. حتی کارشناسان برنامه های تلویزیونی هم توسط وحید شمسایی چیده می شوند. مطمئن باشید که این رفتار، فوتبال را به سمت سقوط می برد.» در روزهایی که هواداران فوتبال امید داشتند تا جو به حضور تیم های ضعیف به واسطه ۲۴ تیمی شدن این رقابت ها، ایران حداقل تا مرحله نیمه نهایی صعود کند، تیم ملی فوتبال ایران با ارائه بازی های نه چندان قابل قبول، در مرحله یک هشتم پایانی با شکست مقابل مراکش از گردونه رقابت ها کنار رفت. احتمال جابه جایی وحید شمسایی تقریباً نزدیک به صفر است اما با توجه به وضعیت رخ داده اگر شمسایی در تیم ملی باقی بماند، با تغییرات فنی می توان به این تیم در سال های آتی امیدوار بود.



چهره

جوانمرد تئاتر ایران

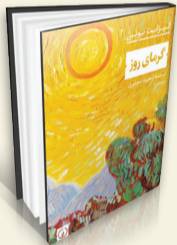
جذبه‌ی صحنه او را به سوی خود خواند و چنان شور عمیقی در او برانگیخت که بی پروا ماوای همیشگی اش شد. صحنه جایی شد که زندگی را دوباره به او موخت و هر روز در آن بازیگر دیگری می شد و نمی دانست که اوست در صحنه بازی می کند یا صحنه در او. این حکایت عباس جوانمرد، بازیگر و کارگردان تئاتر و تلویزیون، نویسنده و پژوهشگر است که دهه ها خاک صحنه را خورد. او در هنرستان هنرپیشگی رشته بازیگری خواند و دوره ای کارگردانی و بازیگری را زیر نظر پروفیسور دیویدسون در دانشگاه تهران گذراند و در همان سال گروه هنر ملی را با چند نفر از همفکرانش در خانه ی شاهین سرکسیسان راه انداخت. «افعی طلایی»، «بلبل سرگشته»، «قصه ی ماه پنهان»، «غروب در دیاری غربی» و «پهلوان اکبر می میرد» از جمله تئاترهای است که او کارگردانی کرده است. او همچنین چند تله فیلم و مجموعه ی تلویزیونی هم در کارنامه اش دارد. عباس جوانمرد در ۷ هفتم مهرماه ۱۳۹۹ در ۹۲ سالگی در تورنتوی کانادا درگذشت.



کتابخانه

لندن جنگ زده

الیزابت بوئن (۱۸۹۹ - ۱۹۷۳)، رمان نویس و داستان نویس ایرلندی- بریتانیایی در دوبلین به دنیا آمد، اما در کودکی به انگلستان رفت. او بیشتر به دلیل داستان هایی که درباره زندگی در لندن زمان جنگ نوشته است، شهرت دارد. «گرمای روز» هم یکی از همین دسته آثار است؛ داستانی که در بحبوحه جنگ جهانی دوم اتفاق می افتد و فضای تنش آمیز و خاکستری لندن را در دوران جنگ و حمله های هوایی شبانه توصیف می کند. مردم جنگ زده به خاطر این بمباران های شبانه از شب و تاریکی گریزانند و روز و گرمای مطبوع آن را می پرستند. «گرمای روز» جز این البته محوری دیگر نیز دارد و آن رابطه استلاردانی و معشوقش رابرت کلوی و یک مأمور اطلاعاتی بریتانیاست. در این محور پیوند فرد و ملیت و روابط شخصی و سیاست روایت می شود. در سال ۱۹۸۹ فیلمی تلویزیونی براساس این رمان به کارگردانی کریستوفر موراهان ساخته شد که با استقبال مخاطبان نیز مواجه شد.



گرمای روز

نویسنده:

الیزابت بوئن

مترجم:

آناهیتا مجاوروی

انتشارات: نشر نی

تاریخ

سقوط هواپیمای سی ۱۳۰



هفتم مهرماه ۱۳۶۰، پرواز هرکولس سی ۱۳۰ نیروی هوایی ارتش ایران در نزدیکی تهران سقوط کرد و از ۱۰۰ سرنشین آن، فقط ۲۲ نفر (۱۸ مسافر و ۴ کادر پروازی) زنده ماندند. در این

پرواز گروهی از برجسته ترین فرماندهان ایرانی چون ولی الله فلاحی، جواد فکوری، سید موسی نامجو، یوسف کلاه دوز و محمد جهان آرا حضور داشتند که همگی به شهادت رسیدند. این افراد پس از موفقیت عملیات ثامن الائمه، برای ارائه گزارش عملیات به امام خمینی (ره) از اهواز عازم تهران شدند اما سقوط هواپیمای در منطقه کهریزک، منجر به شهادت آنها شد. اهمیت سرنشینان پرواز یادشده تا جایی بود که ستاد مشترک ارتش، نیروی هوایی ارتش و وزارت دفاع در یک روز با خلأ فرماندهان خود مواجه شدند. این رخداد باعث تغییر یافتن معادلات جنگ شده و طرح عملیات آزادسازی خرمشهر نیز به هشت ماه بعد از آن موکول شد. برخی کارشناسان معتقدند این سقوط، خرابکاری بوده و در ادامه ترورهای تابستان سال ۱۳۶۰ قرار داشت. برخی اما خطای مهندس پرواز و خلبان را در سقوط مؤثر دانسته اند.